

متکدیان مانع ساخت ۳۲ زمین ورزشی

بعضی فعالان اجتماعی معتقدند برخی برنامه های شهرداری به دنبال اهداف زودبازده است، نه کارهای بلندمدت و عمیق، درحوزه اجتماعی این شائبه را وارد می‌دانید؟

نه، چون سند بالادستی و قانون داریم، مثل قانون سامان دهی و نگهداری متکدیان، سند ملی اعتبار، قانون جوانی جمعیت و... درحوزه اجتماعی سروکارمان با جامعه، تشکل ها و آسیب هاست، در نتیجه برنامه ها نمی تواند کوتاه مدت باشد.

ثبات مدیریتی تأثیری بر عملکرد این اداره دارد؟

نه، ندارد. چون هر مدیری بیايد، باید همین راه را ابرود. اینجا مدیر نقشش ابتکاری، کاهش هزینه ها و اجرای برنامه است و از اصل انجام وظایف قانونی نمی شود طفره رفت.

به استناد گزارش عملکرد سال گذشته این اداره، به نظر می‌رسد شهروندان عادی و سالم جامعه هرچند از آسیب دیده های اجتماعی پرتعدادتر هستند، سهم کمتری در برنامه های شما دارند. همین طور است؟

بله.

شما مجموعه سازمان فرهنگی را در نظر بگیرید. برنامه‌های معاونت سلامت و تربیت بدنی همگانی و معاونت فرهنگی سازمان دارد مردم عادی را پوشش می‌دهد. کل سازمان کارش ارتقای سلامت فردی و اجتماعی و کیفیت زندگی افراد است.

چند مجموعه ذیل اداره امور اجتماعی است؟

یکی شورای اجتماعی محلات و دیگری اداره مشارکت های اجتماعی است که مخاطبشان مردم عادی اند. اداره آسیب دیدگان اجتماعی هم هست که بیشتر روی آسیب ها کار می‌کند.

کفه اعتباراتن به کدام سمت سنگین تر است؟

در حوزه مشارکت با سازمان ها، کفه ترازو در برنامه های آسیب دیدگان اجتماعی سنگین تر است. اما در حوزه اعتبارات پنجاه پنجاه است.

در طرح مشهد مهریان و ۲ که پارسال برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد و بازگشت کودکان بازمانده از تحصیل به مدرسه تعریف شده بود، میزان مشارکت ها برپایتان هدف بود؟ اصل مشارکت مردم برایمان مهم بود. ببینید، شهر که بزرگ می شود، همدلی اجتماعی کم می‌شود. تقصیر کسی نیست. ساختار شهر این سبک زندگی را یاد می‌دهد که زودسوار ماشینت شو و به محل کارت برس، خودت مهم هستی و رفاه خودت و شادی خودت. این ها یعنی رفتن به سمت فردگرایی. در نتیجه، شهر خواه ناخواه بی‌روح می‌شود، مثل یک خوابگاه بزرگ برای افراد. باید رویدادهایی را طراحی کنیم که همدلی افزایش پیدا کند. اینکه من شهروند حس کنم باید کمک کنم تا کسی مشکلس حل شود، این دغدغه مندی، همدلی و انسجام اجتماعی برایمان مهم است.

برای این طرح ها افق کمی تعریف کرده‌اید؟ با مشارکت مردم ۵۲ زندانی آزاد شدند و ۷۶۶ دانش آموز به مدرسه برگشتند، اما ما هیچ افق کمی‌ای تعریف نکردیم بودیم. نه ستاد ديه هستیم و نه آموزش و پرورش. دنبال خیران کلان هم نبودیم. به شورای اجتماعی محلات آمد رادیم و گفتیم به عنوان مثال که این تعداد از هم محله‌ای های شما در زندان هستند، برایشان چه کار می‌کنید. مبالغی که از بین مردم جمع شد، به صورت کاملا خرد بود.

از میان مشکلات اجتماعی مختلف در شهر، چرا کودک بازمانده از تحصیل و زندانی جرائم غیرعمد؟ زندانیان جرائم غیر عمد را با هدف جلب همدلی انتخاب کردیم. درباره کودک بازمانده از تحصیل هم اگر به این موضوع نپردازیم، باید به سامان دهی کودک کار و خیابانی بپردازیم، با هزینه ها و تبعات سامان دهی بیشتر. پیشگیری از بروز آسیب بهتر از پرداختن به آسیب بروز یافته است. آسیب بروز یافته یعنی اینکه برویم

فرزانه شهامت

گزارش روز

گفت‌وگوی ساده و بی‌چالشی نبود. نقدها را که با معاون اجتماعی و مشارکت‌های سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد مطرح کردیم، از برخی پاسخ‌ها قانع شدیم و از برخی دیگر نه. حرف‌های غیرمتعارف و «بسط‌صوت را قطع کنید، نیز که جزو جدایی‌ناپذیر گفت‌وگوها در موضوعات اجتماعی است. آخرش هم حرف‌هایمان تمام نشد و قرار بعدی برای صحبت درباره سی‌وچند برنامه شاخص دیگر این معاونت را موکول کردیم به وقتی دیگر. بخش‌هایی از سؤال و جواب‌های ما با مهدی ابراهیمی را در ادامه می‌خوانید. او متولد ۱۳۵۷ و اصالتا اهل کاشمر است. علوم‌سیاسی و جامعه‌شناسی خوانده است و شانزدهمین ماه تصدی این مسئولیت را سپری می‌کند.



تکدیگران مانع از ساخت ۳۲ زمین ورزشی می‌شوند

سر چهارراه، با حضور ضابط قضایی، این کودکان را جمع کنیم و تحویل بهزیستی بدهیم.

هزینه این جمع‌آوری چقدر است؟ به تفکیک نداریم، چون هم متکدی جمع می‌کنیم، هم کودک کار. در مجموع هزینه سالانه‌اش معادل ساخت ۳۲ زمین چمن ورزشی است.

ساخت زمین چمن را چقدر برآورد کردید؟ ۵۰۰ میلیون تومانی هم هست، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان هم داریم. ساخت زمین چمن مصنوعی هشت نفره تقریبا ۶۰۰ میلیون تومان درمی‌آید. ما داریم بین ۱۵ تا ۱۸ میلیارد تومان هزینه می‌کنیم برای جمع‌کردن کودکان کار و جمع‌آوری و نگهداری متکدیان. سرفصل هزینه‌ها و بودجه‌شان مشترک است.

هزینه جمع‌آوری یک کودک کار یا یک متکدی از چهارراه به مرکز، بدون نگهداری یک میلیون و ۶۹۰ هزار تومان است. توانمندکردن همه این چند هزار نفر؟ از بین این پنج شش هزار نفر، هزار نفر شناسایی و غربال شده‌اند. امیدواریم رفته‌رفته تعدادشان افزایش پیدا کند. کار سنگینی است. برایشان پرونده شخصیت و پرونده شغلی تشکیل می‌شود و مهارت‌ها، وضعیت شغل و خانواده‌هایشان بررسی می‌شوند. همه این افراد پاک شده‌اند، اما می‌دانیم که اگر بدون صیانت بروند بیرون، دوباره برمی‌گردند، یعنی صرف توانمندسازی جواب نمی‌دهد. شش ماه تادو سال بعد از خروج از کمپ باید رصد و رهگیری شوند. مدیریت آن با بهزیستی است.

در اداره آسیب دیدگان اجتماعی اولویت پارسالتان کدام آسیب‌بود؟

اولویتمان بحث معنادان متظاهر بود و هست، چون سیزده آسیب اجتماعی ناشی از اعتیاد است. همین زباله‌گردی که مردم مطالبه‌رفع آن را دارند، تا معنادان متظاهر نمی‌شود. زمانی اعتیاد معلول بود، اما الان علت محسوب می‌شود. ایجاد این نگاه مشترک بین همه دستگاه‌های دخیل را به فرماندار مشهد تبریک می‌گویم که همه رادورهم جمع کرد و پای کار ایستاد. هفته‌ای یک بار جلسه می‌گذاشت. یک بار حساب کردم، دیدم ۹۶ جلسه برای معنادان متظاهر رفته‌ام.

نتیجه؟

پارسال با همکاری دستگاه‌هایی که مثل ما در این زمینه مسئولیت دارند، اتفاقات خوبی رقم خورد. امسال با سامانه سراج از معنادان متظاهر آمار داریم که پارسال نداشتیم. الان می‌دانیم که در هجده کمپ مشهد، بین ۶ تا ۶ هزار نفر نگهداری می‌شوند. پارسال ظرفیت نگهداری مان این قدر نبود. به نظر هم طرح

طرحی که پارسال برای بانوان بهبودیافته از اعتیاد در خانه سبز اجرا کردید، ذیل همین طرح توانمندسازی بود؟

بله، جزو برنامه‌های قرارگاه بود. این الگو را اجرا کردیم برای اینکه امسال بتوانیم برای

چند هزار نفر آن را توسعه بدهیم.

بانوانی که آموزش دادید، همچنان رصد می‌شوند؟

با مدیریت بهزیستی، این کار دارد انجام می‌شود.

نتایج اولیه چطور است؟ خوب. حدود ۱۲۰ نفر از خانم‌ها را پذیرش کردیم. نمی‌توانستیم این‌ها را به اجبار نگه داریم. تا پایان طرح چهل نفر با ماندند که تا امروز هیچ کدام بازگشت نداشته‌اند.

در جامعه نگاهی وجود دارد به معنادان که خلاصه‌اش می‌شود «توبه‌گرگ، مرگ است». در قرارگاه برنامه‌ای برای اصلاح این نگاه دارید؟

به ایجاد موج عمومی برای بازگشت اعتیاد نسبت به بهبودیافتگان اعتیاد نیاز داریم. توزیع آثار فرهنگی‌ای که قبلا تولید شده است، مثل کتاب «ویولن زن روی پل» و «دوبارگی» یکی از گزینه‌های پیش‌روست. اگران مستند محسن اسلام‌زاده به نام «هیچ‌کس منتظر نیست» که در این باره تهیه شده است هم قطعا مؤثر خواهد بود. حتما باید کار رسانه‌ای انجام شود، چون نمی‌توانیم با تک‌تک مردم حرف بزنیم. یکی از درخواست‌هایمان تغییر خط رسانه است. پارسال شما در گروه جامعه چند کار در این زمینه انجام دادید که امیدواریم در بقیه رسانه‌ها هم فراگیر شود. بهبود یافته‌ها هم باید تغییر کنند.

مثلا چه تغییراتی؟ افرادی که سال‌ها در کمپ بودند، حتی دیگر از صحبت‌کردن عادی هم ناتوان‌اند. کسی که از هر سه کلمه حرفش، یک کلمه‌اش حرف زشت است، معلوم است که نمی‌تواند کار پیدا کند و آن را نگه دارد. برای همین در طرح آزمایشی مان روی بانوان بهبودیافته از اعتیاد، به جز کار روی شخصیت، روی مهارت‌های ارتباطی و آموزش‌های فرهنگی تمرکز کردیم. تغییرات تمرکز زیاد بود که خانواده‌ها در دیدارشان با عضو بهبود یافته، با حیرت می‌پرسیدند فلانی، خودت هستی؟!

می‌شود این طرح را یک الگوی موفق عنوان کرد؟

زود است. به‌زمان بیشتری نیاز داریم. فعلا می‌شود گفت نتایجش تأمل برانگیز است.

فکر می‌کنید مردم از آنچه که اینجا

در این دفتر دارد رخ می‌دهد، خبر دارند؟ در ارتباطات رسانه‌ای ضعف داریم، قبول دارم. خیلی چیزها هم قابلیت رسانه‌ای شدن ندارد، چون به روان مردم آسیب می‌زند. یک نمونه‌اش رامی‌گویم، ولی ننویسید! تنوع کارهایمان هم هست. از ۲۰۰ عضو

شورای اجتماعی محلات از سلايق مختلف، اگر روزی ۱۰ نفر شان به مشکل بخورند، چه می‌شود؟ باید برنامه‌های آینده‌نگران هم داشته باشیم. پدیده سالمند معتاد، سالمند متکدی و... دارد خودش را کم‌کم نشان می‌دهد. برای این افراد در خانه سبز، پرستار عمومی دیگر جواب نمی‌دهد، تقاضای پرستار تخصصی کرده ایم. مسئله شناسی در رسانه‌ها هم نیاز به اصلاح دارد. از اول پاییز، تلفن‌های همکاران رسانه به بنده می‌شود اینکه آقا چند تا گرم خانه می‌خواهد راه‌اندازی شود؟! پارسال اولین بار شهرزاد وارد شد به اینکه به جای کمیت صرف، به کیفیت بپردازد و قدم برداشت برای تغییر الگوهای ذهنی مردم.

به محرم‌ها بودن داده‌های آسیب‌های اجتماعی اعتقاد دارید؟ نه. مردم دارند می‌بینند. با پنهان‌کردن آسیب‌ها برای آدمی‌شود آن را مدیریت کرد. آسیب‌ها را به صفر هم نمی‌شود رساند. باید برای کنترل و کاهش آن تلاش کرد. البته با قبح‌شکنی از برخی آسیب‌ها هم موافق نیستم. مدل اطلاع‌رسانی باید عوض شود. خوشبختانه الان نگاه‌هایی باز وجود دارد.

در موضوع متکدیان، گفته بودید که همه متکدیان دستگیرشده، قبلا هم دستگیر شده بودند. قبول دارید باز روند کنونی، به دقتیقا. تغییر این روند در حیطه اختیار اتان هست یا ناگزیر به انجام دور باطل هستید؟ یک سال است دارم بررسی می‌کنم که به جواب سؤال شما برسم. اینکه مشکل چیست؟ قانون است یا توانمندسازی، جمع‌آوری، نگهداری یا چه؟ مشکل، فرهنگ است. برای رفع این موضوع، مردم تصمیم‌گیرنده‌اند.

بیشتر توضیح بدهید.

چه کسی از روزی یک میلیون

تومان درآمد بدش می‌آید؟ هیچ‌کس. آن هم درآمد بدون مالیات، بیمه، ثبت و... تکدیگری یعنی وضعی که گفتیم. برخی می‌گویند متکدی‌ها را توانمند کنید. آخر مگر فرد به دلیل نداشتن توانمندی یا شغل می‌آید سر چهارراه؟ خیر! تکدیگری حرفه است، درآمد دارد. این‌ها به توانمندشدن علاقه‌ای ندارند.

راه حل چیست؟

کاهش تکدیگری هیچ راهی به جز مشارکت مردم ندارد. ما حداکثر می‌توانیم سه ماه این‌ها را نگه داریم. رها که می‌شوند، دوباره به چرخه سابق برمی‌گردند. روی شیشه‌اتاقم چه نوشته‌ام؟ می‌بینید؟ نوشته ام فرهنگ سازی و جلب مشارکت مردم برای کمک نکردن به متکدیان. این یکی از راهبردهای امسال ماست. مردم از سر خبرخواهی و دل‌سوزی کمک مستقیم می‌کنند به کسانی که نمی‌شناسندشان، غافل از اینکه کمک به این افراد حرفه‌ای، هم از نظر شرعی اشکال دارد، هم عزت نفس کمک‌گیرنده را از بین می‌برد. کسی که عزت نفس نداشته باشد، انجام هیچ رفتاری از او دور ذهن نیست.

ایسن کار، بی تفاوت‌کردن مردم به رنجی که از هم نوع خود می‌بینند نیست؟ هرچند که این رنج می‌تواند ساختگی باشد.

این طور نیست. ما اگر می‌گوییم کمک مستقیم نکنند به متکدی، راه جایگزینش را هم معرفی می‌کنیم. «مرکز نیکوکاری خانه سبز» به زودی رونمایی می‌شود. تنها مجوز دولتی برای چنین ساختاری را این مرکز دارد. یک سال طول کشید این کار، چون تو بود. مبالغ جمع‌آوری شده را صرف متکدیان غیرحرفه‌ای می‌کنیم که لابه‌لای دستگیری‌هایمان شناسایی می‌شوند. آمادگی داریم به مردم اعلام کنیم از محل صرفه‌جویی هزینه‌های جمع‌آوری متکدیان، زمین ورزشی ساخته ایم. جزو برنامه‌های قطعی امسال، تولیدات رسانه‌ای است. اعتبار خوبی پیش‌بینی کردیم برای این قضیه.

به گرم‌خانه‌ها هم اشاره‌ای داشته باشیم؛ مراکزى که تقریبا شش ماه از سال فعال‌اند. کنترل آسیب‌های اجتماعی از اهدافش بیان شده است. رسیدن به این هدف، چطور با گرم‌خانه‌هاصل می‌شود؟ فردی که شب دنبال سرپناه می‌گردد و پیدا نمی‌کند، چه کار می‌کند؟ واقعا می‌گردد؟

تجربه حضور ما در باتوق‌ها نشان می‌دهد که به میل خودشان گرم‌خانه نمی‌شوند. پارسال الگو را عوض کردیم. به جز شب‌های سرد، دنبال کسی نرفتیم. شب‌های سرد را هم به این دلیل رقتیم که این‌ها از هواشناسی خبر ندارند. با افتخار اعلام می‌کنم که زمستان پارسال، در مشهد با دمای منفی ۱۷ درجه یک فوتی هم نداشتیم. دل‌یش این بود که آمادگی داشتیم و هدفمند جمع‌آوری کردیم از باتوق‌ها. خودشان هم فکرش را نمی‌کردند. می‌گفتند برای چه ما می‌بریم. می‌گفتیم برویم بعدا می‌فهمید. کسانی راهم از میان خودشان انتخاب کرده بودیم که برون‌د اعتیاد ایجاد کنند و بگویند که هوا قرار است خیلی سرد شود. هزار نفر را این طور جمع‌آوری کردیم و یک هفته به صورت شبانه‌روزی نگه داشتیم. ۱۰ روز پیش از آمدن سرما اجازه خروج از خانه سبز را هم نمی‌دادیم تا شب‌ها مجبور نشویم آن‌ها را از باتوق‌ها جمع کنیم. دستگاه‌های مختلف، بهبود یافته‌ها و مردم خیلی کمکمان کردند. تعدادی از کارت‌ن خواب‌ها را مردم سوار خودروهایشان می‌کردند و می‌آوردند خانه سبز.

این عملکرد باعث افتخار است. درباره این صحبت می‌کردیم که گرم‌خانه‌ها چطور باعث کنترل آسیب اجتماعی می‌شود. این‌ها در شب‌های سرد دنبال سقف هستند. برای داشتن سقف باید هزینه کنند و برای تأمین هزینه، سرقت می‌کنند. تمایلی در آن‌ها ندیدیم برای اینکه دنبال سقف بگردند.

وقت‌هایی که نشئه هستند و متوجه نیستند، بله، به حالت عادی که برمی‌گردند، دنبال سرپناه‌اند و منتظر بازشدن گرم‌خانه.